

یک کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه معتقد است، دولت در آستانه تدوین بودجه ۱۴۰۵ با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده روبه‌روست که ضعف نظام مالیاتی و فرسودگی زیرساخت‌ها تا بحران یارانه‌ها و کاهش بهره‌وری کارکنان دولت را در بر می‌گیرد.

بخشنامه تهیه و تنظیم لایحه بودجه ۲۴ آبان یا امضای رئیس جمهور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. در این بخشنامه ۶ محور به عنوان رویکرد و سیاست‌های کلان اقتصادی دولت در سال آینده مورد تأکید رئیس دولت چهاردهم قرار گرفته است.

این سیاست‌ها که مبنای تدوین لایحه بودجه سال آینده خواهد بود، شامل تقویت سیاست‌های حمایتی تأمین معیشت حداقلی، توازن و انضباط در بودجه و درآمد‌های مالیاتی، تعدیل تانرازی انرژی و آب، پایداری مالی، دولت مدیریت کسری بودجه بدهی‌ها و تعهدات دولت و تقویت پدافند غیرعامل و مقاوم‌سازی است.

کامران ندری کارشناس اقتصادی در گفت و گو با ایرنا با اشاره به ابلاغ بخشنامه تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۵ کل کشور از سوی رئیس جمهوری و آغاز تدوین بودجه دستگاه‌های اجرایی اظهار داشت: دولت با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده اقتصادی، سیاسی و ساختاری روبه‌رو است؛ از ضعف نظام مالیاتی و فرسودگی زیرساخت‌ها تا بحران یارانه‌ها و کاهش بهره‌وری کارکنان دولت. در حالی‌که فشارهای مالی و محدودیت منابع رو به افزایش است، هنوز مشخص نیست دولت چه برنامه‌ای برای اصلاحات اساسی در پیش دارد.

وی با اشاره به چالش‌های دولت در تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۵ گفت: زیرساخت‌های کشور چه فیزیکی و چه نرم‌افزاری به شدت فرسوده‌اند و بسیاری از دستگاه‌ها نیز کارایی لازم را ندارند اما همچنان از سال‌های گذشته بودجه قابل توجهی دریافت می‌کنند زیرا حذف یا کاهش بودجه این دستگاه‌ها می‌تواند برای دولت تبعات سیاسی و اجتماعی داشته باشد.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه کشور در شرایطی قرار دارد که همچنان تهدیداتی چون جنگ احساس می‌شود، افزود: همین موضوع دولت را ناگزیر می‌کند بخش قابل توجهی از منابع خود را صرف امور دفاعی کند؛ همچنان‌که یکی از محورهای بخشنامه بودجه ارتقای توان دفاعی امنیتی و پدافند غیر عامل کشور و کاهش آسیب‌پذیری بخش‌های حیاتی با استفاده از مشارکت مردم در ظرفیت‌سازی ارتقای امنیت کشور و پیش‌بینی منابع مالی مورد نیاز آن است.

❖ لزوم بازنگری در نظام مالیات ستانی

افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی و ارتقای عدالت و کارایی مالیاتی از طریق هوشمندسازی نظام مالیاتی و شفافیت مخارج مالیاتی دولت یکی از محورهای بخشنامه بودجه است؛ ندری در این زمینه معتقد است: ساختار مالیاتی یکی از نقاط ضعف اصلی در تأمین درآمدهای دولت است؛ نظام مالیات ستانی در ایران به‌گونه‌ای است که افراد با درآمد‌های پایین به نسبت درآمد خود مالیات بیشتری می‌پردازند تا صاحبان درآمد‌های بالا که این امر نیازمند اصلاحات اساسی است.

این اقتصاددان اظهار داشت: مسأله یارانه‌ها از دیگر چالش‌های مزمن دولت است؛ سال‌هاست صحبت از هدفمندسازی یارانه‌ها می‌شود، اما زیرساخت لازم برای اجرای آن تا به امروز متأسفانه فراهم نشده است. اصلاح این ساختار هزینه‌بر است و دولت منابع کافی برای آن ندارد.

❖ اصلاح رویه‌ها ضروری است

ندری در ادامه به برخی مشکلات زیرساختی اقتصاد ایران پرداخت و گفت: قیمت بسیاری از کالاها و خدمات دولتی از جمله بنزین سال‌هاست ثابت مانده و این امر موجب انباشت مشکلات و ناهنجاری‌های اقتصادی شده است.

این تحلیلگر اقتصادی اضافه کرد: اصلاح قیمت کالاها و خدمات دولتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما چنین اقداماتی تبعات سیاسی و اجتماعی سنگینی را در پی دارد. علاوه بر آن، سال‌هاست افزایش حقوق کارکنان دولت کمتر از نرخ تورم بوده و در نتیجه دستمزدها واقعی آنها به شدت کاهش یافته است. این وضعیت نه تنها معیشت کارمندان را دشوار کرده، بلکه کارایی و بهره‌وری در دستگاه‌های دولتی را نیز پایین آورده است. در چنین شرایطی حتی خطر افزایش فساد و تخلفات اداری وجود دارد.

ندری با اشاره به قیمت حامل‌های انرژی گفت: دولت اکنون باید درباره مسائل مهمی چون تعیین قیمت حامل‌های انرژی، نحوه جبران آثار تورمی این تصمیمات، و سیاست‌های حمایتی از حقوق بگیران و بازنشستگان تصمیم‌گیری اساسی داشته باشد. مشکل اصلی افزایش قیمت سوخت یا انرژی نیست، بلکه نحوه جبران آثار تورمی آن است. اگر دولت مهربان با اصلاح قیمت‌ها، حقوق و دستمزدها را متناسب با تورم افزایش دهد، فشار زیادی بر جامعه وارد نخواهد شد؛ اما تاکنون برنامه مشخصی در این زمینه ارائه نشده است.

این تحلیلگر اقتصادی گفت: چندین سال است که سیاست‌های نادرست اقتصادی فشار مالی سنگینی بر دولت وارد کرده است. اگرچه نهاد‌هایی مانند سازمان برنامه و بودجه و تیم اقتصادی دولت وظیفه تدوین برنامه‌های اصلاحی را دارند ولی هنوز نشانه‌ای از رویکردی هماهنگ و بلندمدت دیده نمی‌شود.

این استاد دانشگاه براین باور است: در حال حاضر دولت بیشتر در پی آن است که مشکلات کوتاه‌مدت را تا حدی مدیریت کند ولی بدون یک برنامه میان‌مدت و بلندمدت مؤثر، نمی‌توان انتظار داشت بودجه ۱۴۰۵ تأثیر جدی بر بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد.

ندری در پایان خاطرنشان کرد: اخیراً رئیس سازمان برنامه و بودجه اعلام کرده بسیاری از احکام برنامه هفتم توسعه قابلیت اجرا ندارد. این اظهارنظر خود نشان می‌دهد که دولت ابتدا باید برنامه توسعه را اصلاح کند تا بودجه سالانه نیز بتواند در مسیر درستی قرار گیرد. در غیر این صورت، بودجه جدید هم صرفاً در حد مدیریت موقت مشکلات روزمره باقی خواهد ماند

«آرمان ملی» دلیل موفق نبودن اصلاحات اقتصادی در سطح خرد و کلان را بررسی می‌کند

اجماع داخلی، حلقه مفقوده اصلاحات اقتصادی



به خاطر گر خوردن مسائل اقتصادی با سیاست، حل چالش‌های اقتصادی

معمولاً زمان بتر است. در لایه‌های بالای حکمرانی، گروه‌های پرنفوذ در

دیدگاه‌ها، اهداف و برداشت‌هایشان از تهدید و فرصت، اختلاف بنیادین دارند

بانک‌های ناتراز تا مداخلات گسترده دولت‌ها و... دست‌وپنجه نرم می‌کند، این در حالی است که بارها بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران تأکید کرده‌اند که اصلاحات اقتصادی نیازمند تصمیم‌های سخت، شفاف و بلندمدت است؛ تصمیم‌هایی که تنها در صورت وجود اراده واحد و حمایت سیاسی فراگیر قابل اجرا هستند. اما با این وجود، هر بار که بحث اصلاحات جدی می‌شود، همان شکاف سیاسی – فکری خود را نشان می‌دهد. این کارشناس اضافه کرد: بخشی از ساختار، طرفدار آزادسازی اقتصاد، بهبود فضای کسب و کار، جذب سرمایه خارجی و کاهش نقش دولت است. گروهی نیز با نگاه امنیتی به اقتصاد و با نگرانی از پیامدهای سیاسی آزادسازی، مخالف هرگونه واگذاری اختیار از دولت به بازار هستند؛ آنها سیاست‌های کنترلی، یارانه‌ای و بسته‌محور را ضروری می‌دانند که در نهادهای این پارادوکس‌ها به صورت مستقیم در عملکرد نهایی کشور قابل مشاهده است.

❖ چندصدایی در اقتصاد و سیاست

او توضیح داد: در این شرایط برنامه‌های اقتصادی که با امید فراوان آغاز می‌شوند، پس از چند ماه با چالش‌های غیرکارشناسی و فشارهای سیاسی مواجه شده و در نهایت یا نیمه‌کاره‌هایی شوند یا به شکل ناقص اجرایی شوند. اختلاف نظر‌ها حتی در سطح تعیین اولویت‌ها نیز دیده می‌شود و در مواردی درگیر این هستیم که تمرکز باید بر کاهش تورم باشد یا رشد اقتصادی؟ یا دولت می‌تواند نقش تنظیم‌گر داشته باشد یا باید همچنان اجراکننده اصلی پروژه‌ها باشد؟ و اینکه اصلاح ساختار بودجه ضروری است یا باید با مسکن‌های کوتاه‌مدت وضعیت را مدیریت کرد و... از جمله مواردی است که می‌توان در این رابطه به آن اشاره کرد. طباطبایی افزود: در این فضای چندصدایی، سیاست‌گذار عملاً گرفتار یک میدان مین تصمیم‌گیری می‌شود، چراکه هر گامی که برداشته شود، بخش دیگری از حاکمیت یا افکار عمومی از آن انتقاد می‌کند که در نهایت به چیز جز انجام نشدن هر عملی منتهی نمی‌شود. در حقیقت، بی‌عملی در اینجا به معنای سستی یا بی‌کفایتی فردی نیست، بلکه محصول ساختاری است که اجازه نمی‌دهد هیچ سیاست مهمی در یک مسیر مشخص و با حمایت کامل به سرانجام برسد و در نتیجه آن، تصمیم‌گیری‌های مهم یا به تعویق می‌افتند، یا با ملاحظه‌های سیاسی چنان تغییر می‌کنند که اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. بر اساس این فرآیند، نتایج این مسأله در زندگی روزمره مردم نیز کاملاً محسوس است که به صورت تورم بالا، نوسانات ارزی، کاهش ارزش پول ملی، رکود کسب و کارها، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و گسترش مهاجرت متخصصان و... دیده می‌شوند که همه نشانه‌هایی از یک اقتصاد تصمیم‌گیریز هستند. این کارشناس معتقد است: جامعه‌ای که برای سال‌ها منتظر اصلاحات اقتصادی بوده، اکنون با نوعی بی‌اعتمادی مزمن مواجه است؛ بی‌اعتمادی‌ای که از تجربه سیاست‌های نیمه‌تمام، وعده‌های اجرا نشده و نبود افق روشن تغذیه می‌شود و همین بی‌اعتمادی نیز

جزئیات عرضه بنزین سوپر در بورس انرژی

نظیفی نیز در تشریح سازوکار عرضه بنزین ویژه وارداتی (بنزین سوپر) بیان کرد: عرضه‌کنندگان بنزین ویژه طبق شیوه‌نامه وزارت نفت، واردکنندگان و توزیع‌کنندگان هستند. اکنون، توزیع‌کنندگان بنزین را به جایگاه‌داران عرضه می‌کنند که به مصرف‌کنندگان می‌رسد. امیدواریم زنجیره را تا مصرف‌کننده نهایی گسترش دهیم تا مزایای بازار رقابتی آشکار شود. در ادامه گفت‌وگوی نظیفی در یک برنامه تلویزیونی را می‌خوانید:

نقوت بنیادین بورس انرژی و سازوکار بازار با سایر روش‌ها این است که قیمت را عرضه و تقاضا تعیین می‌کند. ما نمی‌توانیم پیش از مچینگ (تطبیق عرضه و تقاضا) نظری بدھیم، اما اطلاعیه عرضه احتمالاً مبنای قیمتی را از سوی عرضه‌کننده اعلام خواهد کرد. فعالیت در بازارهای تحت نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار، الزاماتی مانند داشتن کد بورسی، امکان عرضه، وثیقه‌گذاری و تضامین مالی دارد. به همین دلیل، تاکنون فقط ۲ شرکت این فرایند‌ها را طی کرده‌اند. امیدواریم سایر شرکت‌ها نیز به‌زودی وارد این مسیر شوند. این روش برای فعالان حوزه پالایش و پخش، سابقه‌دار نیست، اما اکنون در حال اجرا است و انتظار داریم مجوزها سریع‌تر صادر شود تا

خود اجرای اصلاحات را د شوart می‌کند، چراکه مردم و فعالان اقتصادی به تغییرات اعتماد ندارند و آکنش‌های احتیاطی آنها، خود به مانعی برای موفقیت سیاست‌ها تبدیل می‌شود.

❖ از بین رفتن انرژی اجرایی

او بیان کرد: البته اختلاف نظر در اجرای کار یکی از شاخص‌های پیشرفت به شمار می‌آید، اما تعارض‌ها در سطح خرد و تناقض‌ها در بحث اجرا و قانونگذاری و... در حوزه حکمرانی و تعارض‌های درونی باعث شده که به جای هم‌افزایی، نوعی انرژی سوزی مداوم رخ دهد. چراکه در این راستا، بخشی از سیستم مشغول خنثی کردن اقدامات بخش دیگری است و این وضعیت نه تنها هزینه‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی ایجاد کرده، بلکه فرصت‌های مهم رانیز از بین برده است. در حال حاضر می‌بینیم که در سال‌هایی که اقتصاد جهانی با سرعت در حال تحول بوده و کشورهای منطقه با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش تعاملات تجاری رشد کرده‌اند، ایران بسیاری از این فرصت‌ها را از دست داده است، این امر در حالی رخ داده است که در حوزه دیپلماسی منطقه‌ای، ایران مزیت‌های قابل توجهی دارد، اما به دلیل فقدان نقشه راه واحد باعث شده که نتوان از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک به‌طور کامل بهره‌برداری کرد. این کارشناس درباره اینکه چگونه می‌توان از این وضعیت عبور کر، گفت: این پرسشی است که امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. بر اساس تجربه کشورهایی که با بحران‌های مشابه مواجه بوده‌اند نشان می‌دهد که عبور از شکاف‌های داخلی معمولاً نیازمند شکل‌گیری حداقلی از اجماع ملی است؛ اجماعی که نه لزوماً همه اختلاف‌ها را در می‌ببرد، بلکه چارچوب مشترکی برای تصمیم‌گیری ایجاد کند، قطعاً چنین اجماعی معمولاً بر پایه چند اصل کلیدی شکل می‌گیرد که مهمترین آن، تعریف مشترک از منافع ملی، توافق بر سر اولویت‌های اصلی، پذیرش قواعد بازی سیاسی و اقتصادی، و نیز وجود یک سازوکار معتبر برای حل اختلاف‌ها هستند و در غیاب این توافقات پایه، هر تصمیمی میدان درگیری جدید خواهد شد و کشور در همان چرخه قبلی باقی می‌ماند. این کارشناس تأکید کرد: ایران حتی در شرایط کنونی، نه کمبود کارشناس و تحلیل‌گر و نه کمبود طرح‌های پیشنهادی دارد، چراکه بارها و بارها در چالش‌های مختلف کارشناسان سناریوهایی را ارائه داده‌اند که در سطح کلان نیز مورد پذیرش واقع شده است، اما مشکل آنجاست که هیچیک از این طرح‌ها به مرحله پذیرش جمعی نمی‌رسند و تا زمانی که تعارض‌های بنیادی بین نیروهای تصمیم‌ساز حل نشود، نه دیپلماسی می‌تواند ابتکار عمل پیدا کند و نه اصلاحات اقتصادی آغاز خواهد شد. طباطبایی افزود: آنچه بیش از هر چیز کشور را به بن‌بست کشانده، نه فشار خارجی و نه محدودیت منابع، بلکه نبود یک نقشه راه مشترک است؛ مسأله‌ای که اگر حل نشود، هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن همچنان بر دوش جامعه سنگینی خواهد کرد.

عقبنگرد صنعت خودرو

صنعت خودرو هم‌زمان با دریافت وام ۴۰ همتی برای زنجیره تأمین، از سوی رئیس جمهور بابت مصرف بالای سوخت خودروها تحت اولتیماتوم قرار گرفت. به گزارش مهر، در حالی‌که بانک مرکزی با تصویب بسته‌ای جدید، مسیر پرداخت ۴۰ همت تسهیلات به زنجیره تأمین خودرو سازی را هموار کرده است، صنعت خودرو هم‌زمان با هشدار صریح رئیس جمهور درباره مصرف بالای سوخت مواجه شده؛ وضعیتی که نشان می‌دهد این صنعت در نقطه‌ای ایستاده است که از یک سو برای جلوگیری از توقف تولید به تزریق فوری نقدینگی وابسته است و از سوی دیگر تحت فشار مطالبات دولت برای اصلاح فنی و ارتقای کیفیت قرار دارد. در پی تشدید بحران نقدینگی و انباشته‌شدن بدهی‌ها، هیئت عالی بانک مرکزی با افزایش سقف اعتبارات ایران خودرو و سایپا به میزان ۲۰ همت برای هر شرکت موافقت کرده است. این تسهیلات – برخلاف برداشت اولیه – مستقیماً به قطعه‌سازان پرداخت نمی‌شود، بلکه در اختیار دو خودروساز اصلی قرار می‌گیرد تا بدهی‌های معوق خود به زنجیره تولید را تسویه کنند. پرداخت این وام منوط به دو شرط است یکی تسویه رسمی مطالبات قطعه‌سازان و دیگری ارائه برنامه اصلاح ساختار مالی مبتنی بر جریان نقدی که باید به تأیید وزارت صمت برسد. با این حال بانک مرکزی تأکید کرده است که این منابع حق پوشش زیان جاری را ندارند. در همین حال، محمدرضا نجفی منش رئیس انجمن صنایع همگن نیرو محرکه و قطعه‌سازان خودرو به مهر می‌گوید: برآورد نشان می‌دهد حجم مطالبات زنجیره تأمین به حدود ۱۶۰ همت رسیده که بیش از ۶۵ همت آن در وضعیت «سررسید گذشته» قرار دارد. علاوه بر این، صنعت خودرو با زیان انباشته‌ای بیش از ۳۱۰ همت روبه‌رو است. به گفته او، این ارقام، ریشه بسیاری از مشکلات فعلی از جمله توقف توسعه محصول، کاهش توان سرمایه‌گذاری فنی و وابستگی بیشتر به پلتفرم‌های قدیمی محسوب می‌شود. هرچند در بسته جدید، ابزارهایی مانند امکان استفاده گسترده‌تر از اوراق گام، تسهیل خرید اعتباری گواهی اسقاط و رفع برخی محدودیت‌های بانکی پیش‌بینی شده است، اما بسیاری از تحلیلگران این سیاست‌ها را «مسکن مقطعی» می‌دانند که تنها زمان بحران را به تأخیر می‌اندازد. هم‌زمانی بسته حمایتی با محدودیت واردات و کاهش همکاری شرکای خارجی نیز فضایی ایجاد کرده که بازار خودرو بار دیگر به سمت وابستگی کامل به خودروساز بزرگ حرکت کند؛ تجربه‌ای که پیش‌تر در سال‌های ۹۷ تا ۱۳۹۱ نیز مشاهده شد و در نهایت به کمبود عرضه، جهش قیمت و طولانی‌شدن صف تقاضا منجر شد. کارشناسان هشدار می‌دهند تکرار این الگو بدون اصلاحات اساسی، تنها چرخه «زیان، کمبود نقدینگی، دریافت وام و بازگشت دوباره به بحران» را بازتولید خواهد کرد. در چنین فضایی، انتشار خبر پرداخت تسهیلات با اولتیماتوم کم‌سابقه رئیس جمهور همراه شد. مسعود پزشکیان در جلسه هیئت دولت تأکید کرد که اگر مصرف سوخت خودروها در بازه‌ای مشخص کاهش نیابد، تخصیص ارز و حتی مجوز تولید بازنگری خواهد شد. او همچنین از خودروسازان خواسته است در صورت نیاز «فناوری روز دنیا را خریداری کنند» و وعده داده که دولت از مسیر ارتقای فناوری حمایت خواهد کرد.

❖ هر دو طرف مقصرند!

با این حال، روشن است که اتکا به فشار دستوری با تزریق مستمر منابع مالی بدون اجرای اصلاحات پایهای، راه‌حل پایداری برای نجات صنعت خودرو فراهم نمی‌کند. دولت طی سال‌های گذشته با قیمت‌گذاری دستوری، محدودیت واردات و سیاست‌های غیر رقابتی سهم قابل توجهی در شکل‌گیری وضعیت فعلی داشته است، اما در عین حال، خود خودروسازان نیز از مسئولیت بزرگ خود در مدیریت ناکارآمد، هزینه‌های سربرآبالا، بهره‌وری پایین، فقدان شفافیت مالی و عدم توسعه فناوری‌گریزی دریازند. این صنعت سال‌ها از حمایت‌های گسترده و انحصاری برخوردار بوده، اما عملکرد آن در حوزه کیفیت و نوآوری با سطح این حمایت‌ها همخوانی نداشته است. تداوم این پلتفرم‌های قدیمی، پروژه‌های نیمه‌تمام، ساختارهای پیچیده و غیرچابک و همکاری‌های خارجی که عمده‌تأثر حد متوسط تا رتقاءهای حداقلی باقی مانده‌اند، موجب شده است بخش مهمی از منابع صنعت به جای توسعه فناوری و ارتقای محصولات، صرف جبران ناترازی‌ها و ناکارآمدی‌های مزمن شود. در چنین شرایطی، هروام جدید بیشتر نقش دوپینگ کوتاه‌مدت را ایفا می‌کند تا محرک تحول. بر این اساس، بازگشت صنعت خودرو به مسیر اصلاح تنها زمانی ممکن خواهد بود که دولت از سیاست‌های مداخله‌گرانه و غیر رقابتی فاصله بگیرد و در مقابل، خودروسازان نیز از مدیریت رانته و ساختارهای غیرپایسوخ عبور کنند. بدون اصلاح سیاست‌های کلیدی، شفافیت مالی، افزایش رقابت‌پذیری، کاهش هزینه‌های زائد و حرکت واقعی به سمت فناوری‌های نوین، نه مصرف سوخت کاهش خواهد یافت و نه وام‌های کلان با زپرداختی جدید جز تکرار همان چرخه بهره‌برداری، زیان و نیاز مستمر به تزریق منابع به همراه نخواهد داشت.